

## مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری‌های هسته‌ای با ایران

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۲۸ تاریخ تأیید: ۸۹/۱۱/۳

دکتر علی اکبر جعفری \*

رویا میرجلالی \*\*

در پژوهش حاضر، متغیرهای مختلفی از جمله ضروریات روسیه در روند سیاست داخلی این کشور، به ویژه در زمینه اقتصادی، محورهای اصلی روابط روسیه و ایران، اهداف پنهان روسیه در باج‌گیری از غرب در زمینه ممانعت از استقرار موشک‌های بالستیک در چک و لهستان، و همکاری‌های هسته‌ای با ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این منظر برای تمهید پشتوانه نظری این پژوهش که در چارچوب نظریه نئورئالیسم و نئولیبرالیسم به آن اشاره خواهد شد، به بیان روابط ایران و روسیه، واکنش‌های احتمالی روسیه در برابر برنامه هسته‌ای ایران و اهداف همکاری‌های ایران با روسیه، پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: برنامه هسته‌ای، انرژی، موشک‌های بالستیک، منافع مشترک.

\* عضو هیأت علمی و مدیر پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

\*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

## مقدمه

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در تیر ماه ۱۳۵۵، موافقتنامه‌ای بین رژیم پهلوی و وزارت تحقیقات و صنعت آلمان غربی برای تأسیس نیروگاه اتمی در بوشهر امضا شد. سپس در ۲۲ مرداد سال ۱۳۵۶ آمریکا قراردادی برای احداث نیروگاهی در ایران و فروش هشت راکتور اتمی با رژیم شاه امضا کرد. همچنین در ۵ مهرماه ۱۳۵۶ فرانسه نیز اعلام کرد که قرار است دو نیروگاه اتمی در ایران تأسیس کند و راکتورهایی را به ایران بفروشد که در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب، به دلیل مخالفت کشورهای غربی، این روند متوقف شد.

تلاش ایران از سال ۱۳۶۴ تا حدود ۱۳۷۶ موجب گردید تا کشور به نقشه‌هایی که در ساخت دستگاه‌های سانتریفوژ کاربرد دارد. دسترسی پیدا کند.<sup>۱</sup> اکنون بیش از چند سال است که برنامه هسته‌ای ایران و تحولات مرتبط با آن در کانون توجه جهانی قرار گرفته و به یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. در کانون تحولات، نقش فدراسیون روسیه در روند برنامه هسته‌ای ایران غیر قابل انکار است.

ایران و روسیه بیش از هزار سال است که با یکدیگر رابطه داشته و البته این روابط تا زمان صفویان بیشتر اجتماعی و تجاری بود، اما از این زمان بیشتر به صورت سیاسی و نظامی در آمد و در دوره قاجار، دو کشور، موقعیت همسایگی پیدا کرده و دوره‌ای از جنگ و تهدید میان آن‌ها پدید آمد که روسیه را برای دو سده به مهم‌ترین عنصر در حیات سیاسی بین‌المللی ایران تبدیل کرده است. با وجود روابط مسالمت‌آمیز دو کشور در دوره‌هایی چند، فضای عمومی این تعاملات، بر عنصر تهدیدزایی روسیه، آسیب‌پذیری ایران و جست‌وجوی یک قدرت سوم برای ایجاد توازن استوار بوده است. دو پدیده انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۷۰) با دگرگونی اساسی دو کشور و به ویژه خروج از موقعیت همسایگی و دور شدن روسیه از مرزهای ایران تا آن سوی کوه‌های قفقاز شمالی، شرایط خاصی را پدید آورد. بر این اساس، روس‌ها در کرانه‌های خلیج فارس به ساختن نیروگاه هسته‌ای برای ایران سرگرم شدند؛ امری که در موقعیت همسایگی دو کشور، برای هیچ‌کدام قابل پذیرش نبود. از آن گذشته، شرایط و نیازهای داخلی دو کشور و تهدید مشترک موجود برای دو دولت در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، در بستر عنصر ژئوپولوتیک (دوری به جای همسایگی) که مناطقی حائل و



مشترک را در آسیای مرکزی، قفقاز و خزر ایجاد کرده، دوره‌ای از همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را پدیدار ساخته است که هنوز هم ظرفیت‌های زیادی برای گسترش دارد.<sup>۲</sup>

موضوع روابط ایران و روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی نه تنها به دلیل حمایت تکنولوژیک و سیاسی روسیه از برنامه هسته‌ای ایران و برخی از همکاری‌های نظامی میان دو کشور، دلمشغولی برای آمریکا و تعدادی از قدرت‌های بزرگ غربی به وجود آورده است، بلکه برای تحلیلگران و پژوهشگران مسائل بین‌المللی نیز ابعاد رابطه میان ایران و روسیه، پرسش‌های بی‌پاسخ فراوانی را برانگیخته است.

موضع‌گیری روسیه در زمینه همکاری هسته‌ای با ایران دارای ماهیتی متفاوت بوده است. مسکو از یک سو به مثابه شریک هسته‌ای ایران ضمن ابراز علاقه به تداوم همکاری‌ها، از موضع ایران حمایت می‌کند و از طرف دیگر محافل رسمی و غیر رسمی به ویژه نشست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با استناد به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی، پای قطعنامه‌های صادره علیه ایران را امضا می‌نماید. چنین موقعیتی موجب شده تا برخلاف موضع واشنگتن که در تقابل اساسی با برنامه هسته‌ای ایران از صراحت و قاطعیت برخوردار است، مواضع مسکو مبهم، دو پهلو و غیر قابل پیش‌بینی ارزیابی شود.

به هر حال در شرایط کنونی که به نظر می‌رسد موضوع برنامه هسته‌ای ایران در تعامل با اروپا دارای فراز و نشیب‌های فراوانی است، ایران می‌تواند امیدوار باشد که نقش روسیه می‌تواند هم به واسطه طرح‌های ارائه شده از سوی آن کشور و هم به دلیل نقش حیاتی آن در هر گونه تصمیم‌گیری در شورای امنیت سازمان ملل متحد پر رنگ‌تر از گذشته باشد.<sup>۳</sup> مقاله حاضر تلاش خواهد کرد به این سؤال پاسخ دهد که چه مبانی و متغیرهایی در سیاست خارجی روسیه با ایران در قبال پرونده هسته‌ای ایران مطرح می‌باشند؟

در پاسخ به این سؤال اساسی تلاش می‌کنیم پس از بررسی مبحث تئوریک، محورهای اصلی روابط هسته‌ای میان دو دولت را مورد تبیین قرار دهیم.

### مبحث تئوریک

انتخاب نظریه خاص برای تبیین روابط بین روسیه و ایران، انتخابی دشواری است، چرا



که در بررسی تاریخ روابط دو دولت، رفتارها و عملکردهای آن‌ها به قدری پیچیده است که قرار دادن این مناسبات در قالب هر یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل، باعث برخورد به نقاط ضعف و قوت آن نظریه خاص خواهد شد. پایه‌های بنیادین استراتژی کلان دولت روسیه با ایران در سلسله حاکمان مختلف، توجه به «منافع ملی» و «امنیت ملی» در اولویت‌ها بوده است. به این ترتیب، بر مبنای روش‌شناختی علمی در این پژوهش به گزینش نظریه یا نظریه‌هایی می‌پردازیم که بتواند روابط دو دولت را بهتر توجیه نماید. **نئورئالیسم:** کنت والتز به عنوان بنیان‌گذار نظریه رئالیسم ساختاری با تأثیرپذیری از دستاوردهای نظریه سیستم‌ها و بهره‌گیری گزینشی از برخی نظریه‌ها و روش‌شناسی رفتارگرایی، اقدام به خلق این نظریه نمود. رابرت گیلپن و استفن کراسنر نیز به مثابه مهم‌ترین نظریه‌پردازان نئورئالیسم در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی مطرح می‌باشند. بر اساس نظر والتز، همه کشورها در دو مؤلفه ساختارهای سیاسی، یعنی اصل نظم‌دهنده (ثابت بودن آنارشی و فقدان مرجع اقتدار مرکزی)، و اصل تمایز کارکردهای واحدها (شباهت کشورها در بقا و تأمین امنیت)، با هم مشترک هستند و هیچ‌گونه تفاوتی در نظام‌های سیاسی جهان وجود ندارد، اما تنها تفاوت عمده میان دولت‌ها ناشی از توزیع توانمندی‌های آنان می‌باشد که تغییر در این اصل، موجب تغییر در ساختار نظام بین‌الملل می‌شود. با تغییرات ساختار می‌توانیم چگونگی رفتار واحدهای نظام و نیز پیامد تعاملات‌شان را پیش‌بینی کنیم. در نظام بین‌الملل، واحدها معمولاً عملکرد متفاوتی را به نمایش می‌گذارند. دلیل این دوگانگی به تفاوت در توانمندی‌های واحدها بر می‌گردد.<sup>۴</sup> کنت والتز معتقد است دولت‌ها به منزله بازیگران اصلی، صحنه‌آرایی می‌کنند و «نمایش‌نامه‌ها»<sup>۱</sup> ایشان را به صحنه می‌آورند. این دولت‌ها به دلیل قدرتمندی‌شان هرگاه تشخیص دهند که این نمایش‌نامه‌ها برایشان مناسب نیست، آن را تغییر می‌دهند. از نظر والتز، این دولت‌ها هستند که برای به حداکثر رساندن قدرت‌شان همواره با دولت‌های دیگر همکاری می‌کنند و از این طریق، استقلال‌شان را نیز محفوظ نگاه می‌دارند.<sup>۵</sup>

«استفن والت» به عنوان یکی از مهم‌ترین رئالیست‌های تدافعی<sup>ii</sup> نئوکلاسیک با بازنگری از نظریه موازنه قوا، نظریه «موازنه تهدید»<sup>iii</sup> را مطرح ساخته است. از نظر وی دولت‌ها در مقابل دولت‌هایی که منشأ بیشترین تهدید هستند، متحد می‌شوند. وی

i. Dramas  
ii. Defensive Realist  
iii. Balance of Threat

«تهدید» را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل؛ نظیر توانایی‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند. هرگاه دولت‌ها احساس کنند که موجودیت و یا منافع آن‌ها از ناحیه سایر دولت‌ها با تهدید روبه‌روست، به موازنه در برابر آن‌ها می‌پردازند.<sup>۶</sup>

بر اساس نظریه والت می‌توان گفت دولت‌های روسیه و ایران به دلیل تهدیدات استراتژیک جداگانه از سوی آمریکا به یکدیگر نزدیک شده‌اند و با ایجاد «موازنه منافع»<sup>i</sup> به دفاع از منافع و ارزش‌های خود می‌پردازند.

نظریه نئولیبرالیسم: این نظریه در زمینه سیاست خارجی بر گشایش بازار خارجی از طریق ابزار سیاسی، استفاده از فشار اقتصادی، روش دیپلماسی و حتی مداخله نظامی تأکید می‌نماید. طرفداران این نظریه از تقسیم بین‌المللی کار، فشار سیاسی چندجانبه<sup>ii</sup> از طریق سازمان‌های بین‌المللی با انعقاد معاهدات بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی<sup>iii</sup> و بانک جهانی حمایت می‌کنند.<sup>v</sup> نئولیبرالیست‌ها وضعیت ساختار آنارشی (فقدان اقتدار مرکزی) را در نظام بین‌الملل می‌پذیرند. از نظر آن‌ها وجود آنارشی به معنای غیرممکن بودن همکاری میان دولت‌ها نیست. از نظر آن‌ها همگرایی در سطوح منطقه‌ای و جهانی رو به افزایش است. در این زمینه، دولت‌ها گرایش زیادی به همکاری با سایر دولت‌ها دارند؛ حتی اگر در این تعامل و همکاری‌ها، دولت دیگر، منافع بیشتری کسب کند، باز هم به همکاری ادامه می‌دهند. لذا برای آن‌ها - برخلاف نئورئالیست‌ها - منافع مطلق، مهم‌تر از منافع نسبی است. البته از نظر رابرت کوهن این تعامل همکاری به طور خودکار صورت نمی‌گیرد، بلکه تحقق آن مستلزم برنامه‌ریزی و مذاکره است.<sup>۸</sup> به این ترتیب، نئولیبرالیست‌ها از اندیشه لیبرالیسم درباره امکان پیشرفت و تحول استفاده می‌کنند، اما در عین حال، آرمانگرایی آن را رد می‌کنند.

از آنجا که روابط هسته‌ای میان دولت‌ها در نظام بین‌الملل از ابعاد مختلفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، نظریه نئورئالیسم برای توجیه ابعاد (سیاسی - امنیتی) و نظریه نئولیبرالیسم از بعد (اقتصادی) این روابط به طور تلفیقی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند.

i. Balance-of-Interests  
 ii. Multilateral Political Pressure  
 iii. World Trade Organization (WTO)



### ضروریات در روند سیاست داخلی روسیه به ویژه در زمینه اقتصادی

بر اساس نظریه نئولیبرالیسم در باب تحلیل مواضع اقتصادی می‌توان این‌گونه بیان کرد که در چند دهه اخیر، کشور ایران و روسیه از نظر منافع اقتصادی، همکاری متقابل در زمینه‌های مختلفی با یکدیگر داشته‌اند و همین منافع اقتصادی مشترک باعث افزایش صادرات و واردات میان دو کشور شده است. بررسی آمار حجم همکاری‌های اقتصادی دو کشور در بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۴، نشان دهنده آثار مثبت روابط سیاسی میان ایران و روسیه و عزم جدی تهران به پیوند عمیق منافع اقتصادی با روسیه در عرصه‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. بررسی روند مبادلات بازرگانی با روسیه نشان می‌دهد که روسیه از سال ۱۳۷۹ به عنوان شریک تجاری، وارداتی ایران، جایگاه خود را تثبیت کرده است.<sup>۹</sup>

تحت حاکمیت ولادیمیر پوتین، دموکراسی هدایت شده، جانشین لیبرالیسم هرج و مرج گرایانه یلتسین گردیده و تلاش او صرف بنای یک حکومت مدرن و مستحکم شده است. نظام تصمیم‌گیری در روسیه نه برآمده از نهادهای ذیربط، بلکه برآیند گرایش‌های مختلف، اما هماهنگ است. در روسیه نوعی بازگشت به تمرکزگرایی و وحدت رویه در امور داخلی و سیاست خارجی مشاهده می‌شود. گرچه پیشرفت زیادی در زمینه حاکمیت قانون در دوره پوتین صورت گرفته است، لکن برخی از آن با عنوان دیکتاتوری قانونی یاد می‌کنند. وضعیت اقتصادی روسیه به دلایل مختلف، رو به بهبودی نهاده است. توفیق سیاست‌های اقتصادی پوتین، افزایش بی‌سابقه قیمت نفت، تقویت ارزش روبل (واحد پول روسیه) و اصلاح قوانین مالیاتی از مهم‌ترین دلایل آن است. اقتصاد روسیه طی ۵ سال اخیر به طور متوسط ۶/۷ درصد سالانه رشد داشته است. این رقم در سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۷/۳ درصد بوده است. علی‌رغم شاخص‌های فوق، به نظر می‌رسد در همگرایی روسیه با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، که مهم‌ترین اهداف دولت روسیه به شمار می‌آید، انتظارات لازم تاکنون برآورده نشده است. گزارش منتشره توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۳ حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در اقتصاد روسیه، تنها یک میلیارد دلار بوده است. این شاخص دارای پایین‌ترین ارزش بعد از سال ۱۹۹۰ است. به همین دلیل، وزارتخانه‌های اقتصاد و دارایی فدراسیون روسیه، خواستار اتخاذ تدابیر فوری برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد روسیه و یافتن متحدانی برای خود شد.<sup>۱۰</sup> یکی از موارد جذب سرمایه برای روسیه، برنامه هسته‌ای ایران بوده است. قضیه بوشهر در اوت ۱۹۹۲ آغاز شد، یعنی وقتی

که دو کشور ایران و روسیه به عنوان بخشی از برنامه تجاری و همکاری بلند مدت، موافقتنامه‌ای را جهت ساخت نیروگاه هسته‌ای در ایران و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به امضاء رساندند. همکاری هسته‌ای شامل ساخت نیروگاه هسته‌ای، چرخش سوخت هسته‌ای، ارائه راکتورهای تحقیقاتی، بازیافت سوخت مصرف شده، تولید ایزوتوپ‌هایی برای استفاده در پژوهش‌های علمی و پزشکی و آموزش دانشمندان هسته‌ای ایرانی در مؤسسه مهندسی فیزیک مسکو بود. مذاکرات در ۸ ژانویه ۱۹۹۵ به نتیجه رسید و شرکت روسی و سازمان انرژی هسته‌ای ایران، قراردادی را جهت تکمیل ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر به امضا رساندند.

آمار دقیق سرمایه روسیه از برنامه هسته‌ای محرمانه است، اما برآوردهای غیر دقیق حدود ۸۰۰ تا ۱ میلیارد دلار را نشان می‌دهد و این مبلغ توانست کمک زیادی را به صنعت هسته‌ای روسیه و سایر بخش‌های آن که به واسطه تجزیه شوری و هرج و مرج اقتصادی که در اوایل دهه ۹۰ تحت تأثیر شدید قرار گرفته بود، بنماید. از این جهت، روسیه به سرمایه ایران نیاز شدید دارد.<sup>۱۱</sup> تلاش‌های بی‌وقفه روسیه در جهت اعاده قدرت گذشته و ادغام در اقتصاد جهانی می‌باشد. عضویت در سازمان‌های اقتصادی جهانی، وجه شاخص این رویکرد است. معاون نخست وزیر فدراسیون روسیه، ادغام اقتصاد روسیه در اقتصاد جهان را از اساسی‌ترین وظایف دولت به شمار آورده است. سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در نهم ژوئن ۲۰۰۴ اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا بزرگترین سرمایه‌گذار در اقتصاد فدراسیون روسیه است. وی می‌گوید: بی‌تردید سهم سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا در روسیه در حجم کل سرمایه‌گذاری خارجی این کشور ناچیز است. اما این کشور از لحاظ حجم سرمایه‌گذاری در اقتصاد روسیه دارای مقام اول است. از این جهت در اوایل دهه ۲۰۰۰ روسیه بر سر دوراهی، سیاست حداقلی را در روابط با ایران اتخاذ نموده که معنای آن، تلاش برای حفظ ایران در عین عدم آسیب رساندن به روابط خود با غرب است. روسیه با اتخاذ رویکردی عملگرایانه، به توسعه روابط اقتصادی و تجاری سودمند دوجانبه و تقویت مواضع خود در بازار هسته‌ای ایران اهتمام ورزیده و سود کلانی را نیز از این روابط کسب کرده است.<sup>۱۲</sup> بنابراین تأکید روسیه بر منافع مشترک بدون در نظر گرفتن اختلافات فرهنگی و سیاست‌های ناسیونالیستی، تا آنجا استمرار می‌یابد که منافع ملی آن اقتضا می‌کند. به همین دلیل گاه از سیاست دو پهلو و مبهم پیروی می‌کند.



همان‌طور که در قالب نظریه نئولیبرالیسم به آن اشاره گردید، این نظریه فرایند سیاست‌های مالی ۲۵ سال اخیر است، که بر اساس آن بر گسترش همکاری‌ها و افزایش مبادلات و مشارکت تأکید می‌کند. اگر از این جنبه، حضور روسیه در برنامه هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار گیرد، در می‌یابیم که روسیه سهم بسزایی در روند پرونده هسته‌ای ایران داشته و در محدوده منافع خود از ایران دفاع کرده و بیشترین مشارکت را در برنامه هسته‌ای، ساخت نیروگاه و در روند پیگیری آن داشته است؛ به طوری که هر چند به صورت مبهم، ولی در میان کشورهای بزرگ، امید اول ایران محسوب می‌شود.<sup>۱۳</sup> در متون و اظهارات رسمی اهداف استراتژیک روسیه، تبدیل این کشور به یک قدرت جهانی مورد احترام، همگرایی حساب شده‌ای در ساختار بین‌المللی با علم تسلط غرب بر آن و نمایش قدرت و نفوذ روسیه اعلام شده است. از دیدگاه مسکو، اهداف مذکور از طریق تحکیم امنیت بین‌المللی و ثبات استراتژیک و ایجاد یک نظم جهانی چند قطبی که در آن قدرت‌های بزرگ، یعنی آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و چین، مدیریت امور بین‌الملل را از طریق نهادهایی نظیر سازمان ملل متحد بر عهده خواهند داشت، حاصل می‌گردد. تأمین ثبات استراتژیک از دیدگاه روسیه، تقابل با تهدیدات جهانی است. روسیه، تروریسم، جدایی‌طلبی، ناسیونالیسم افراطی، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و جرایم سازمان یافته را تهدیدی علیه ثبات استراتژیک می‌داند.

روسیه با علم به ظرفیت‌ها، امکانات و محدودیت‌های خود تمایل دارد خلأ این محدودیت‌ها را در جای دیگر در برابر غرب پر نماید. به اعتقاد سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، این کشور در پی آن است تا منافع ملی خویش را در جهان امروز به دست آورد.<sup>۱۴</sup> در تحلیل روند کلان روابط روسیه، غرب و ایران، چنین به نظر می‌رسد که روسیه توانسته است تصویر به جای مانده از اتحاد شوروی نزد غربی‌ها و ایران را به میزان زیادی بر اساس نظریه نئولیبرالیسم اصلاح نماید. در طی روابط ایران و روسیه، ایران خاطره خوبی از همسایگی شوروی نداشته است، زیرا همواره شوروی به مثابه یک کشور مهاجم برای ایران شناخته شده بود که جنگ‌های مختلفی با ایران داشته و بسیاری از ممالک ایران را متصرف شده و زیان‌های جبران‌ناپذیری را در قراردادهای مختلف به ایران تحمیل کرده است، ولی در چند دهه اخیر با تحلیل روند روابط ایران و روسیه بر اساس نظریه نئولیبرالیسم در می‌یابیم که مسکو با اتخاذ سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورها سعی کرده که چهره خود را ترمیم کند. مسکو با اتخاذ رویکرد سیاست خارجی در خدمت



اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، معادله حاصل جمع جبری صفر را رها کرده و به منزله یک بازیگر جهانی تلاش می‌کند تا نقش فعالی در روند تحولات جهان ایفا کند. بر پایه همین رویکرد سیاست خارجی روسیه، فرضیه عمده به ویژه در میان افکار عمومی و تحلیلگران ایرانی این است که روسیه در تعامل و تقابل خود با آمریکا به ایران نگاه ابزاری دارد و از تنش موجود میان ایران و غرب به نفع خود بهره‌برداری می‌کند. با وجود این، موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه در سال‌های اخیر به موضوعی برای چانه‌زنی آمریکا و روسیه تبدیل شده است. روس‌ها از طریق مقاومت در برابر تقاضای قطع همکاری هسته‌ای با ایران از سوی آمریکا تلاش می‌کنند تا در وهله نخست، خود را در گردونه معادلات جهانی حفظ کنند و در وهله بعد در شرایط مقتضی، امتیازاتی از آمریکا اخذ کنند.<sup>۱۵</sup> فرض متقابل در این چارچوب این است که نوع روابط روسیه و غرب بر موقعیت ایران تأثیر خواهد گذاشت. به سبب وجود اهمیت منافع غرب نسبت به ایران برای روسیه، این کشور اگر بر سر چند راهی قرار بگیرد، جانب غرب را خواهد گرفت، ولی از طرف دیگر، منافع زیادی در برنامه هسته‌ای ایران دارد که به سادگی نمی‌تواند از آن بگذرد. زیرا بسیاری از منافع ملی روسیه در رابطه با ایران تعریف شده و این همان راهی است که ایران می‌تواند از طریق آن، همکاری روسیه را به طرف خود جلب کند.<sup>۱۶</sup> بدین ترتیب، می‌توان گفت نیاز شدید روسیه به ارزش خارجی و سود کلان در اقتصاد نئولیبرالیسم، به مثابه یکی از متغیرهای روابط هسته‌ای میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### محورهای اصلی روابط ایران و روسیه

محورهای اصلی روابط میان ایران و روسیه که به منزله عوامل تأثیرگذار بر روابط چندین ساله دو کشور به حساب می‌آید، به شرح زیر می‌باشد. از میان عواملی که مناسبات میان کشورها را شکل می‌دهد (جغرافیا، تهدید نیازهای داخلی و ساختار نظام بین الملل)، عامل جغرافیا پایدارترین عامل به شمار می‌رود. در مورد روابط ایران و روسیه نیز این عامل از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. با وجود جدایی حاصل از پیدایی جمهوری‌های جدید، دو کشور ایران و روسیه به عنوان همسایگان آبی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارای مجموعه‌ای از منافع مشترک و متعارض هستند. پیامدهای تحولات این منطقه برای امنیت دو کشور، همچنان امنیت ملی ایران و روسیه



را مرتبط با یکدیگر حفظ کرده و به ویژه به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی روسیه اهمیت خاصی بخشیده است.<sup>۱۷</sup> ایران و روسیه، دو کشور با اهمیت در معادلات جهانی محسوب می‌شوند که هر یک به نحوی بر فضای جهان نیز تأثیرگذار می‌باشند. روسیه به دلیل برخورداری از قدرت هسته‌ای و حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد همچنان در زمره بزرگ‌ترین قدرتهای جهان قرار دارد و ایران نیز به دلیل موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی که در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه و جهان اسلام دارد، یک هژمون منطقه‌ای با تأثیرگذاری جهانی محسوب می‌شود. در حوزه انرژی نیز هر دو کشور ایران و روسیه در زمره بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان به شمار می‌آیند. به همین دلیل، عموماً روابط ایران و روسیه علاوه بر ابعاد دوجانبه از جنبه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز برخوردار است. به خصوص با توجه به حساسیت غرب نسبت به روابط ایران، اهمیت حضور در بازار هسته‌ای ایران به اندازه‌ای برای روسیه مهم است که رئیس‌جمهور این کشور، مدوودف طی اظهاراتی اعلام داشت نباید مسائل مربوط به برنامه‌های هسته‌ای ایران مورد سوء استفاده قرار گرفته و به رقابت و مبارزه غیر منصفانه در بازار فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای منجر شود.

منوچهر مرادی در مقاله خود، اهمیت روابط ایران با همسایه شمالی (اعم از روسیه تزاری، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و فدراسیون روسیه) را به درستی مطرح می‌کند.<sup>۱۸</sup> وی معتقد است بخش بسیار مهمی از تحولات داخلی و روابط خارجی ایران، به ویژه طی دویست سال اخیر تحت تأثیر سیاست‌ها و مواضع این کشور قرار گرفته است. روابط با همسایه شمالی گرچه همواره پیچیده و همراه با فراز و نشیب و دوستی و دشمنی بوده، لکن در طول تاریخ بر اصولی ثابت و پایدار استوار بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

### دخالت و تأثیرگذاری قدرت ثالث در روابط دو کشور

در دویست سال آخر روابط ایران و روسیه، نقش مؤثر قدرت‌های ثالث در روند روابط دو کشور، انکارناپذیر است. در عصر قاجار، انگلستان با اتخاذ سیاست‌های متنوع، مدیریت روابط ایران و روسیه تزاری را بر عهده گرفت. پس از جنگ جهانی دوم نیز، آمریکا در نقش جانشین انگلستان، به ویژه در عصر جنگ سرد، به عامل مهمی در جهت‌گیری و روند روابط ایران و اتحاد شوروی تبدیل شده است. طی دوره پس از فروپاشی شوروی،

آمریکا در شرایطی موجب تحکیم روابط میان ایران و روسیه و گاه نیز مانع پیوند میان آن دو گردیده است. تحریم‌های آمریکا علیه ایران و فشارهایی که این کشور بر روسیه وارد می‌سازد، موجب شده است که بخشی از ظرفیت‌های بالقوه همکاری‌های تکنولوژیک و تسلیحاتی دو کشور معطل باقی بماند. حداقل آمریکایی‌ها در چندین نوبت، برخی از شرکت‌ها و مؤسسات روسی را که با ایران، همکاری تکنولوژیک و تجاری داشتند، تحریم کرده‌اند.<sup>۱۹</sup> در سال ۱۹۹۸ وزارت امور خارجه آمریکا فهرستی از مؤسسات شوروی که متهم به انتقال فناوری هسته‌ای به ایران بوده‌اند را منتشر کرد. در سال بعد نیز آمریکا ده شرکت دیگر روسی را که متهم به فروش فناوری حساس به ایران بودند، تحریم کرد.<sup>۲۰</sup> در سال ۲۰۰۲ نیز سه شرکت دیگر روسی تحت همین عنوان مورد تحریم قرار گرفتند. در سال ۲۰۰۳، مؤسسه طراحی تولا در روسیه بنا به دلایل مشابه تحریم شد. در سال ۲۰۰۸، تحریم شرکت روسی روس بارون اکسپورت توسط آمریکا، با انتقادات شدید روسیه مواجه شد. تمامی این موارد بر این مدعاست که در سال‌های گذشته، غرب یکی از مهم‌ترین موانع توسعه همکاری‌های ایران و روسیه بوده است.

### برتری ماهیت ژئوپلتیک بر ماهیت ژئواکونومیک روابط دو کشور

در ارتباط با حضور و اهداف سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، نگرش‌ها و تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در قالب دو رهیافت امنیتی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود و از سوی دیگر با در نظر گرفتن وجوه اشتراک داخلی و رویکرد خارجی، اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان در نگاهی دقیق‌تر علل فعال‌تر شدن سیاست خاورمیانه‌ای این کشور و مخصوصاً در ارتباط با ایران را در چهار گزینه رویارویی با یکجانبه‌گرایی آمریکا، دستیابی به نقش بین‌المللی به عنوان قدرتی جهانی، گسترش روابط اقتصادی با سایر کشورها و تأثیر بر مسلمانان روسیه که دو وجه اول بر سایر موارد در روابط بین ایران و روسیه برتری داشته است، جست‌وجو کرد، ولی به دلیل وجود روابط سیاسی فی مابین، گسترش روابط اقتصادی، تأثیر چندانی بر بهبود کامل روابط نداشته است.

بعد از فروپاشی شوروی، این کشور، بهترین گزینه برای پیشرفت را کشورهای غربی بخصوص آمریکا قرار داده بود که در طی این مدت، روابط شوروی و ایران دچار نوعی رکود موقتی شده بود، اما به زودی سیاستمداران شوروی دریافتند که نمی‌توانند از آمریکا



انتظار زیادی داشته باشند و از این سو حوزه منافع خود را با رقبای آمریکا همچون ایران، بسط دادند. این معادلات شوروی درباره پرونده هسته‌ای ایران نیز صدق می‌کند. از این جهت می‌توان نتیجه گرفت که ایران برای روسیه یک گزینه سیاسی در برابر آمریکا می‌باشد و روابط دو کشور اغلب از جنبه سیاسی بر سایر جنبه‌ها اولویت داشته است. برای اثبات این موضوع امتیازدهی آمریکا به روسیه در مورد استقرار سیستم سپر دفاعی موشکی در چک و لهستان و نیز همکاری روسیه با گروه ۱+۵ و نیز رأی مثبت به قطعنامه شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران، گواه مناسبی بر این ادعا است.<sup>۲۱</sup>

### تردید نسبت به نهاده ساختن روابط به دلیل بی‌اعتمادی تاریخی

سوء ظن و بی‌اعتمادی تاریخی، یکی از مهم‌ترین مبانی تحلیل روابط ایران و روسیه است. بیش از هر چیز باید به وجود ذهنیت‌ها و نگرش‌های منفی ناشی از حوادث تاریخی گذشته به عنوان مانع گسترش مناسبات اشاره کرد.<sup>۲۲</sup> فصول مربوط به تجاوزها و دخالت‌های روسیه و رقابت با دیگر قدرت‌های جهانی بر سر تزییع حقوق ملت ایران، بخش قابل توجهی از کتاب تاریخ روابط ایران و روسیه را به خود اختصاص داده است. ایران و روسیه بیش از هزار سال است با یکدیگر ارتباط دارند. همان‌طور که اشاره گردید، ابتدا این روابط به شکل تجاری بوده است، ولی بتدریج در همسایگی، دوره‌ای از جنگ و تهدید میان آن‌ها پدید آمد، از جمله اتفاقات مهم منفی‌ساز روابط دو کشور می‌توان به جنگ‌های ایران و روس، انقلاب‌های مشروطه و اکتبر و اشغال ایران اشاره کرد. در واقع، مرور تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که بر خلاف دوران همکاری، دوره‌ای که با جنگ‌های دو گانه سده ۱۹ شروع شده، ذهنیتی منفی و نگرشی امنیتی در میان نخبگان و توده مردم ایران نسبت به روس‌ها به وجود آورده است. متقابلاً، از دیدگاه روسیه نیز برخی وقایع تاریخی، به ویژه گرایش‌ها و وابستگی‌های سیاسی ایران به قدرت‌های رقیب (عثمانی، فرانسه، انگلستان و آمریکا) اهداف و آرمان‌های اعتقادی ایران در قبال مسلمانان روسیه و حوزه شوروی سابق و هراس دائمی از چرخش به سمت رقیب جهانی، مانع از اعتماد روسیه به سیاست‌های ایران شده است.<sup>۲۳</sup> با وجود این همه مشکلات تاریخی میان دو کشور، بدیهی است نمی‌توان جایگاه منطقه‌ای و نقش ژئوپلیتیک ایران را در دیدگاه روسیه نادیده گرفت. برای روسیه بنا به دلایل تاریخی، قدرت بر ثروت اولویت دارد. به رغم اهمیت جدی بهبود شرایط اقتصادی برای روسیه، تثبیت

جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ و تعیین کننده جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار است.<sup>۲۴</sup>

از دیدگاه روسیه، بازار هسته‌ای ایران، صحنه یک رقابت استراتژیک است و روسیه نمی‌تواند به راحتی آن را واگذار نماید. از سوی دیگر، روسیه همیشه درگیر رقابت شدید با غرب است و به همین دلیل، هیچ وقت ایران را به طور کامل از دست نمی‌دهد. از دیدگاه کلان می‌توان نیاز به همگرایی در اقتصاد جهانی، تعهد به حفظ ثبات استراتژیک و تلاش برای حفظ رابطه با ایران در یک رقابت استراتژیک را به منزله مبانی سیاست روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران برشمرد. از سوی دیگر، روسیه، ترک بازار ایران را به منزله خطر برای خود تلقی می‌کند که ممکن است توسط رقیبانش پر شود. برای همین در حدود منافع خود از ایران و منافعش دفاع می‌کند. مسکو به این نکته استناد می‌کند که برنامه هسته‌ای ایران، ناقض بندهای معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی نیست. به علاوه، ایران به منظور شفاف‌سازی و برای جلب اعتماد به برنامه‌های هسته‌ای خود، تمامی شروط پروتکل الحاقی معاهده ان پی تی را رعایت کرده است. بنابراین، دلیلی برای ترک همکاری‌های هسته‌ای با ایران وجود ندارد. با وجود این، روسیه، ثبات استراتژیک را در گرو همکاری با غرب و حفظ ایران را در حوزه رقابت استراتژیک با غرب تعریف کرده است.<sup>۲۵</sup>

در بخش هسته‌ای، بسیاری از تحلیل‌گران ایران و روسیه، ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر را به عنوان سمبل همکاری دو کشور مطرح کرده‌اند که ارزش احتمالی آن در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. انعقاد چنین قراردادی با ایران برای اقتصاد و صنعت هسته‌ای روسیه، سود کلانی داشته است و کمک شایانی را به طرح‌های نظامی هسته‌ای کرده است. برای اجرای این قرارداد ۳۰۰ شرکت روسی به کار گرفته شدند. اظهارات فوق مؤید آن است که تداوم حضور در بازار هسته‌ای ایران که نقش مهمی در کسب درآمدهای ارزی روسیه دارد، برای این کشور بسیار حائز اهمیت بوده و مقامات روسی با جدا کردن این مقوله (برنامه‌های هسته‌ای ایران) از سایر روابط، به سختی حاضر به رها کردن آن در مقابل فشارهای سیاسی و مشوق‌های اقتصادی آمریکا و اروپا خواهند بود.

به نظر می‌رسد مقامات آمریکایی و اروپایی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که نیل به توفیق در مقابله با برنامه هسته‌ای ایران به تنهایی میسر نبوده و جلب مشارکت روسیه



تعیین کننده خواهد بود. چارلز گرانت، مدیر مرکز اروپایی اصلاحات معتقد است: غرب برای تضمین هر گونه توفیق در ارتباط با ایران بایستی وحدت لازم را با روسیه به عمل آورد و تلاش نماید تا روسیه را نیز درگیر موضوع کند. در صورتی که در سال‌های نخستین ریاست جمهوری یلستین، روسیه کمتر به روابط با ایران اهمیت می‌داد، چرا که آن‌ها خواهان کسب حمایت غرب بودند و غرب نیز با ایران دشمنی داشت. علاوه بر این گروه «ارو آتلانتیک‌ها» اسلام را مهم‌ترین خطر بالقوه، که امنیت و دیگر منافع روسیه را تهدید می‌کند، تلقی می‌کردند و از آنجا که از نظر آن‌ها ایران حامی اصلی دعوت اسلامی تلقی می‌شد، آن را بیشتر به دید تهدیدی برای منافع روسیه و نه متحدی بالقوه می‌نگریستند. ولی به مرور زمان، این برداشت از ایران تغییر کرد تا جایی که روسیه حاضر شد در حدود منافع خود و ایران، هر چند دو پهلو از ایران و برنامه هسته‌ای آن در مقابل فشارها و تهدیدات غرب دفاع کند.<sup>۲۶</sup>

به هر حال، تا قبل از تغییر سیاست‌های روسیه در مورد ایران، در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ سیاست خارجی روسیه متأثر از روابط با غرب و فشارهای آمریکا بوده است؛ به طوری که در دو نوبت، صراحتاً در مقابل این فشارها تسلیم شد مورد اول در قضیه فروش موتور موشک به هند در سال ۱۹۹۳ بود که با وجود انعقاد قرارداد میان دو طرف به سبب فشارهای آمریکا آن را لغو کرد. مورد دیگر، توافقنامه گورچرنومروین در مورد عدم تمدید قراردادهای نظامی با ایران پس از سال ۱۹۹۹ (اتمام قراردادهای ۱۰ ساله ۱۹۸۹) بود که در سال ۱۹۹۵ به عمل آمد. اما به تدریج که سیاست خارجی «غرب‌محور» زیر سؤال رفت و به ویژه پس از تحولات ۱۹۹۳ و فشار داخلی از سوی ملی‌گرایان کمونیست‌ها و نظامیان، روسیه به سمت روابط بهتر با کشورهای دیگر جهان گرایش پیدا کرد. در مورد ایران به دلیل موضوعی که تهران نسبت به مسائل آسیای مرکزی و قفقاز داشت و برخی تحلیلگران از آن به عنوان سیاست دسته گل یاد کردند، روسیه مواضع دوستانه‌تری اتخاذ نمود. مجموعه رفتارهای ایران در دهه ۹۰، روسیه را به این نتیجه رساند که ایران، کشوری مستقل در برابر آمریکا می‌باشد که می‌تواند برای روسیه به عنوان یک خریدار سلاح و یک همسوی منطقه‌ای باشد. در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۰۰ منتشر گردید، رابطه با ایران از جمله اولویت‌های سیاست خارجی این کشور عنوان گردیده است.<sup>۲۷</sup> در سندی با عنوان (بررسی سیاست خارجی روسیه) در سال ۲۰۰۷ نیز این اولویت‌بندی محفوظ مانده است.<sup>۲۸</sup> از نظر رابرت فریدمن، تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه،

در بین دولت‌های خاورمیانه، شاید برای روسیه هیچ کدام مهم‌تر از ایران نباشد. اهمیت موقعیت استراتژیک ایران در خلیج فارس، به عنوان یک شریک تجاری و روابط و منافع ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، توجه مسکو را به خود جلب کرده است. روسیه، ایران را به عنوان بازار مهمی برای سلاح‌ها و نیز نیروگاه هسته‌ای و به عنوان راهی برای نشان دادن استقلال خود از آمریکا ارزیابی می‌کند.

با مطالعه‌ای که درباره روسیه جدید به عمل آمده است، به این نتیجه می‌رسیم که روسیه امروز به مراتب از شکوفایی، ثبات، آرامش و اقتدار بیشتری برخوردار است و سیاست خارجی آن از استقلال بیشتری برخوردار است. اکنون روسیه، سیاست فعالی را دنبال می‌کند و ایران در این بین از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که این جایگاه را باید با توجه به واقعیت‌ها و اولویت‌های موضوعی و منطقه‌ای سیاست خارجی روسیه ارزیابی کرد. به بیان مارک اسمیت، روابط دو جانبه ایران و روسیه، یکی از مهم‌ترین مسائل بین تهران و مسکو می‌باشد. منافع روسیه در فروش تسلیحات، فراهم نمودن فناوری هسته‌ای و گسترش روابط اقتصادی، ایران را به یکی از شرکای بلندمدت روسیه تبدیل کرده است. روسیه در نظر دارد این روابط را در رقابت و نارضایتی خود در روابط با آمریکا دنبال کند. مسکو، قرار دادن نام ایران در فهرست کشورهای یاغی و حامی تروریسم از سوی آمریکا را رد می‌کند. این اهداف نه تنها به اهداف سیاست خارجی، بلکه به امنیت داخلی نیز توجه دارد. گروه‌های قدرت در هر دو کشور، این روابط را تقویت می‌کنند، اما نگرانی عمیق در پاره‌ای محافل روسی نسبت به تأثیر منفی روابط ایران بر روابط با آمریکا و نیز احتمال استفاده از فناوری‌های روسی در ایران علیه روسیه در آینده وجود دارد. روابط ایران - روسیه در کنار روابط روسیه - آمریکا و آمریکا - ایران یک بازی سه جانبه است که هر تحولی در روابط دو گانه می‌تواند بر روابط دو گانه و سه گانه دیگر تأثیر بگذارد. و سرانجام اینکه، این روابط برای دو کشور، مزیت‌های بسیاری به همراه دارد. برای روسیه، سود اقتصادی و دستیابی به خلیج فارس و برای ایران، حمایت سیاسی در سطح منطقه و جهان، خرید سلاح، دستیابی به تکنولوژی جدید و نیز ساختن رآکتورهای هسته‌ای را به دنبال دارد. اما تداوم این روابط به خصوصت تهران - واشنگتن و زمینه‌های مشترک همکاری دو کشور در مورد مسائل خزر بستگی دارد. در واقع، دو کشور، زمینه‌های مشترک آشکاری برای همکاری اقتصادی، سیاسی، تجاری و نظامی پیدا کرده‌اند که می‌توانند به گستره روابط در این زمینه‌ها ادامه دهند.<sup>۲۹</sup>

## اهداف پنهان روسیه برای ممانعت از استقرار موشک‌های بالستیک در چک و

### لهستان

روسیه در آخرین سال ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در مسیری گام گذاشت که احتمالاً برای بسیاری از مخالفان برتری طلبی ایالات متحده آمریکا می‌توانست اغواکننده باشد. تلاش‌های مکرر رهبران روسیه برای یادآوری قدرت نظامی این کشور و هشدار به رهبران آمریکا و اروپا نسبت به نادیده گرفتن توانمندی‌های سیاسی و نظامی روسیه، فضای روابط روسیه و غرب را در یک سال آخر ریاست جمهوری پوتین و سال‌های نخست ریاست جمهوری مدودف به سمت برخی رویارویی‌ها سوق داده است. از سوی دیگر با انتخاب دیمیتری مدودف به عنوان رئیس‌جمهور روسیه به نظر می‌رسد این کشور وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ خود شده باشد. به‌رغم اینکه برخی معتقدند راه پوتین در سال‌های آینده تداوم خواهد یافت و نقش پوتین همچنان در سیاست داخلی و خارجی روسیه برجسته و تعیین‌کننده خواهد بود، با این حال، شرایط آتی این کشور کاملاً شفاف و از پیش تعیین شده نیست. طی چند سال اخیر روابط روسیه و غرب به طور همزمان متضمن دو فرآیند متعارض بوده است:

الف) همکاری در برخی از عرصه‌ها مانند همکاری‌های اقتصادی دوجانبه و در برخی از مسائل مهم بین‌المللی مرتبط با امنیت جهانی (روسیه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت و همچنین یکی از اعضای هشت کشور صنعتی، خود را برای ایفای نقش به عنوان قدرت بزرگ نسبت به مسائل مرتبط با امنیت جهانی متعهد می‌داند و از این نظر ناگزیر به برخی همکاری‌ها با سایر اعضای این نهادهای بین‌المللی می‌باشد).

ب) رقابت و رویارویی در برخی حوزه‌های استراتژیک در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.

ابعاد این رویارویی تاکنون حداقل در سه حوزه نمود آشکارتری داشته است: ۱. تلاش غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، برای قرار دادن خط مقدم کنترل روسیه در اروپای شرقی، حتی در برخی از جمهوری‌های سابق شوروی مانند اوکراین.

۲. استراتژی ناتو برای تقویت و تحکیم بنیه نظامی و گسترش حوزه عملیاتی خود به حوزه‌های سنتی نفوذ روسیه.

۳. برنامه ایالات متحده آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی. واکنش روسیه به این اقدامات در سال‌های اخیر، فعالانه و توأم با اقتدار بوده است و





به نظر می‌رسد روس‌ها به طور جدی در حال شکل‌دهی و جهت دادن به سیاست‌های کلان خود در سطوح بین‌المللی و به ویژه در ارتباط با آمریکا می‌باشند. این جهت‌گیری در چارچوب فرآیند دوگانه همکاری و رقابت تعریف می‌شود. مسائل بین‌المللی و از جمله مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران - تناسب و تطابق آن‌ها با منافع ملی روسیه - در یکی از این دو قالب قرار می‌گیرد.<sup>۳۰</sup> تحلیلگران روس، نزدیکی با ایران را سبب افزایش هزینه‌های امنیتی غرب و به نفع خود تلقی می‌کنند. به نظر آن‌ها هر چه روسیه به کشورهای ضد غربی و اصولگرا نزدیک شود، غرب ناچار به تخصیص هزینه‌های بیشتری برای تأمین بازدارندگی از جنوب خواهد شد.

با توجه به حساسیت غرب و آمریکا در مورد ایران، روس‌ها توانسته‌اند با استفاده از اهرم روابط با ایران، بارها از غرب و آمریکا امتیاز بگیرند و در واقع، ایران را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود در برابر غرب قرار دهند. نمونه بارز این سیاست، هنگامی بود که روسیه در مقابل حساسیت آمریکا در مورد مسئله فروش تکنولوژی راکتور اتمی به ایران، تصمیم گرفت تا از فروش سانتریفوژ گازی به ایران خودداری کند، و در عوض، امتیازهای مالی جدیدی از آمریکا دریافت کند. به طور کلی می‌توان گفت که در روابط ایران و روسیه، هر دو کشور بنا به منافع و مقتضیات خود سعی در بهبود و گسترش روابط داشته‌اند. ایران سعی کرد با نشان دادن حسن نیت از سویی نیازهای اقتصادی و نظامی خود را از طریق روسیه تأمین کند و از جهت دیگر از نظر سیاسی از روسیه به منزله سوپاپ اطمینانی در مقابل تلاش‌های آمریکا برای انزوای ایران استفاده کند. روسیه نیز در روابط خود با ایران، ملاحظات اقتصادی را در نظر داشته و نیز تلاش کرده است که از ایران به مثابه یک ابزار برای امتیاز گرفتن از غرب و آمریکا و تأمین منافع خود در آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس استفاده کند. روسیه تلاش می‌کند حداکثر نفوذ خود را در ایران تأمین نماید، و در همان حال، حداقل زیان و آسیب را در این زمینه از آمریکا پذیرا شود.<sup>۳۱</sup>

روابط اخیر ایران و روسیه تحت تأثیر سه دسته از عوامل قرار دارد:

الف - علاقمندی‌های امنیتی مشترک؛

ب - انگیزه‌های تجاری و منافع سیاسی دوجانبه؛

ج - تضاد بالقوه منافع.

عامل الف در ماهیت استراتژیک است و متمایل به تغییر یا جابجایی در واقعیت‌های



استراتژیک می‌باشد. دسته دوم، یک رابطه مبنی بر تشریک مساعی را تسهیل می‌کند. یک افزایش قابل ملاحظه در پیوندهای تجاری دوجانبه می‌تواند به یک مشارکت پردوام و باثبات‌تر کمک کند. اما انتظار می‌رود که دسته سوم این عوامل، همکاری ایران - روسیه را دچار دردسر نماید.<sup>۳۲</sup> بر اساس گزارش بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس، روسیه تا سال ۲۰۴۰ به پنجمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده و از طرفی به گفته هنری کسینجر - وزیر امور خارجه اسبق آمریکا - روسیه، آمریکا کنترل ۹۰ درصد از سلاح‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارد؛ با این فرضیه نیاستی از روسیه انتظار داشت با ساختار تک قطبی موجود کنار بیاید، زیرا یکی از اصول پنجگانه سیاست خارجی روسیه، مخالفت با جهان تک قطبی به سرکردگی آمریکاست.<sup>۳۳</sup>

یکی از مباحث جنجال برانگیز اخیر در روابط روسیه و آمریکا، استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا است. هدف از اسقرار سپر موشکی آمریکا در چک و لهستان در جهت ایفای نقش سیاسی و نظامی آمریکا بر اساس ظرفیت‌های راهبردی بوده است. به عبارت دیگر، سپر موشکی آمریکا را می‌توان وجه دیگری از سیاست‌های امنیتی آمریکا در مقابله با تهدیدهای فراگیر قدرت‌های غرب از جمله در مقابله با قابلیت راهبردی روسیه دانست که دارای اثربخشی قابل ملاحظه‌ای می‌باشد.<sup>۳۴</sup> پنتاگون را می‌توان اصلی‌ترین سازمان دفاعی جهان دانست که این پروژه‌های نظامی را طراحی، پیگیری و کنترل می‌کند.<sup>۳۵</sup> مقابله با توانایی‌های راهبردی شوروی می‌توانست زمینه پیروزی نظامی آمریکا را در قالب‌های بین‌المللی به وجود آورد.

در فوریه سال ۲۰۰۷، روسیه ساختار تک قطبی جهانی که واشنگتن بر آن اصرار داشت را رد نمود. مخالفت و ممانعت با برنامه سپر دفاع موشکی آمریکا، مخالفت با استقلال کوزوو، همکاری با ایران و به رسمیت شناختن دو منطقه جدایی طلب اوستیا و آبخازیا از جمله مواردی است که در آن روسیه در برابر مواضع آمریکا ایستادگی کرده و توانایی خود را به عنوان قطب دوم جهانی به رخ کشیده است. رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۱ در برنامه اول دفاع موشکی خود، روسیه را شریک خود و یک کشور دارای دموکراسی بالقوه اعلام کرد، ولی به زودی به سادگی از آن گذشت.<sup>۳۶</sup> استمرار همکاری روسیه با ایران در مورد انرژی هسته‌ای در واقع، پاسخی به برنامه سپر دفاع موشکی آمریکا بود. واشنگتن ادعا می‌کند هدف از این برنامه، مقابله با تهدید موشکی ایران به عنوان تروریسم است، از این رو، خواستار احداث سپر دفاع موشکی در اروپاست. دولت‌مردان

روسیه، این تصمیم آمریکا را در زمینه برپایی دفاع موشکی، اقدام یکجانبه و فراتر از رژیم‌های بین‌المللی می‌دانند و معتقدند که پذیرش این خواسته آمریکا، مشروعیت‌بخشی به رفتارهای یکسویه آمریکا و سیاست جهانی است.<sup>۳۷</sup> روسیه مدعی است این برنامه، تنها برای مقابله با روسیه طرح‌ریزی شده است نه ایران، و برای فشار به غرب از پیمان نیروهای متعارف در اروپا خارج شد و به شدت با این طرح مخالفت نموده است.<sup>۳۸</sup>

روسیه با مشاهده بی‌اعتنایی آمریکا نسبت به درخواست خود، سیاستی دیگر را در پیش گرفت و آن مخالفت با موضع هسته‌ای آمریکا در قبال ایران بود، ولی مایکل مک فول، نویسنده آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان روسیه، دموکراسی، آمریکا یاد آور شده است: جهت جهت‌گیری کلی سیاست خارجی روسیه بدون تردید، همسویی با غرب می‌باشد. پوتین وقتی که به منافع استراتژیک بلندمدت روسیه در جهان می‌اندیشد، توجه خود را معطوف به غرب می‌کند نه شرق یا جنوب. در واقع، ایران در موضع روابط سیاسی روسیه، نقش یک برنده در برابر آمریکا را بازی می‌کند که روسیه می‌خواهد از آن برای رام کردن آمریکا و دریافت امتیازاتی گسترده استفاده نماید. وقت‌کشی‌های روسیه در اجرای تعهدات خود نسبت به انرژی هسته‌ای ایران نیز به گفته بسیاری از تحلیلگران، امتیازی بوده است که روسیه به کشورهای غربی داده است.<sup>۳۹</sup> با این حال، روسیه به سختی حاضر به تن دادن به اقدامات برتری جویانه آمریکا می‌باشد. سخنان پوتین نیز در مونیخ در این ارتباط، قابل توجه است: (تنها تصمیم‌هایی که در چارچوب سازمان ملل متحد گرفته می‌شود قانونی است. نباید سازمان ملل متحد را با ناتو و یا اتحادیه‌های اروپایی تعویض کرد).<sup>۴۰</sup>

### نتیجه

بر اساس نظریه نئورالیسم، تأمین امنیت ملی به عنوان اهداف عالی سیاست خارجی دولت‌ها محسوب می‌شود. به همین منظور، دولت‌ها با در نظر گرفتن این موضوع در جست‌وجوی شکار فرصت‌های سودآور می‌باشند. روسیه با رویکرد نئولیبرالیسم و کاسبکارانه از منازعات منطقه‌ای در امتیازگیری دو و یا چند جانبه، حداکثر استفاده را به عمل می‌آورد.

روسیه، تنها کشوری است که در دهه ۱۹۹۰ در زمینه هسته‌ای، آشکارا با ایران همکاری کرده است. اما به سبب تلاش‌های خود در برنامه هسته‌ای با ایران مورد انتقاد شدید ایالات متحده نیز قرار گرفته است. با این همه، همگرایی سیاسی و اقتصادی با



جهان غرب به عنوان یک هدف اساسی همچنان پیش روی رهبران روسیه است. از سوی دیگر، روسیه نیازمند دوستان و بازارهای سنتی خود است تا در رقابت استراتژیک از صحنه بیرون رانده نشود. سیاست روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران در واقع، تلاش برای حفظ منافع این کشور در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک است. مسکو ناچار است از یک سو به تعهدات خود به عنوان یک قدرت جهانی و الزامات در روابط با غرب پای بند باشد و از طرف دیگر به واسطه منافع مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران، به حمایت نسبی از ایران ادامه دهد. روسیه با اتخاذ رویکردی عملگرایانه، به توسعه روابط اقتصادی و تجاری سودمند دوجانبه و تقویت مواضع خود در بازار هسته‌ای ایران اهتمام ورزیده و در این چارچوب، در بسیاری از موارد با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و تحریم‌های احتمالی، به ویژه در بخش اقتصادی مخالفت نموده است. با این حال، روسیه به خوبی می‌داند که قدرت گرفتن بیش از حد یک کشور مسلمان در خاورمیانه، بدون شک، تا چه اندازه‌ای می‌تواند برای این کشور، پیامدهای منفی احتمالی به همراه داشته باشد و همیشه راه میانه‌ای را انتخاب کرده است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه، تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران است، لکن مبانی استدلالی طرح شده در این مقاله اثبات می‌نماید که در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک، روسیه، گزینه نخست را ترجیح خواهد داد. روابط روسیه و ایران، دیگر نه در چارچوب یک مشارکت استراتژیک، بلکه در قالب همکاری احتیاط‌آمیز در حوزه‌هایی است که منافع روسیه را در بر دارد.

حمایت مسکو از بین‌المللی کردن موضوع هسته‌ای ایران عبارت‌اند از: حق ایران را جهت دستیابی به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای به رسمیت می‌شناسد، مانع تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر توسط روس‌ها یا دستیابی ایران به رآکتور تحقیقاتی هسته‌ای آب سبک نمی‌شود، تهیه سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای ایران بر اساس قیمت بازار و همچنین دستیابی به دیگر فناوری‌های هسته‌ای را تضمین می‌کند، از پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کند، زمینه همکاری‌های گسترده اقتصادی با ایران را فراهم می‌آورد و نگرانی‌های امنیتی ایران را مد نظر قرار می‌دهد. هدف اصلی روسیه در قضیه هسته‌ای و حمایت از ایران در این زمینه این است که نمی‌خواهد بازار پر سود و منفعت ایران را که جای خالی آمریکا نیز در آن وجود دارد، از دست بدهد.

علی‌رغم محدودیت‌ها و اختلافاتی که در روابط روسیه و ایران وجود دارد، اما این

روابط برای هر دو کشور سودمند می‌باشد. از دیدگاه روسیه، ایران می‌تواند یک مشتری تسلیحاتی عالی و بازار ایران برای رآکتور هسته‌ای روسیه، سودمند باشد. در ضمن، یک ایران مستقل و قوی می‌تواند مانع از هژمونی و تسلط آمریکا بر منطقه خلیج فارس - که مسکو منافع حیاتی در آن دارد - شود. از دیدگاه ایران، روسیه می‌تواند منبع امنی برای خرید تسلیحات توسط ایران باشد و همچنین می‌تواند یک متحد دیپلماتیک برای ایران در مقابل آمریکا باشد که تلاش می‌کند ایران را منزوی سازد.

به نظر می‌رسد روسیه و ایران باید به همکاری استراتژیک خود در آینده‌ای قابل پیش‌بینی ادامه دهند. این همکاری نه تنها به اهداف سیاست خارجی هر دو کشور کمک می‌کند، بلکه امنیت داخلی آن‌ها را هم بهبود بخشیده و موجب افزایش ثبات منطقه خواهد شد. حامیان یک سیاست خارجی قدرتمند، که بر سیاست روسیه تسلط دارند، بر پیوندهای نزدیک‌تر با ایران، هند و چین تکیه می‌کنند تا بدین وسیله با نفوذ ایالات متحده، مقابله کرده و یک نظم جهانی چند قطبی ایجاد کنند.

ارزیابی فوق طبیعتاً به مفهوم تلاش برای کاهش یا ارتقای کاذب جایگاه روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و غفلت از نقش آن در برنامه هسته‌ای نیست، بلکه هدف، ارائه تحلیلی واقع‌گرایانه از مواضع و دیدگاه‌های بازیگری عمده در صحنه سیاست خارجی کشور است. جمهوری اسلامی ایران حتی در صورت عادی‌سازی روابط با غرب، بایستی بر حفظ و توسعه روابط با روسیه، که حضوری مؤثر در غالب موضوعات سیاست خارجی ایران دارد، تلاش نماید. در شرایط تشدید مواضع اروپا و افزایش فشار آمریکا، حفظ روسیه به عنوان عامل تعادل، در جهت منافع جمهوری اسلامی ایران ضروری است. بدیهی است در کنار اتکا به ظرفیت‌های ملی و تدابیر عقلانی سیاست خارجی ایران، حق وتوی روسیه در شورای امنیت، هنوز یک نقطه اتکا به حساب می‌آید. آنچه ضرورت دارد آزاد کردن روابط از وضعیتی شکننده و یک طرفه و ایجاد تعادل نهادینه کردن آن به گونه‌ای است که ابعاد مختلف مناسبات دو کشور، در خدمت اهداف کلان سیاسی - استراتژیک آن قرار گیرد. به طور کلی می‌توان گفت که در روابط ایران و روسیه، هر دو کشور بنا به منافع و مقتضیات متقابل بر اساس نظریه نئولیبرالیسم سعی در بهبود و گسترش روابط داشته‌اند. ایران سعی کرد با نشان دادن حسن نیت از سویی نیازهای اقتصادی و نظامی خود را از طریق روسیه تأمین کند، و از طرف دیگر از نظر سیاسی از روسیه به عنوان سوپاپ اطمینانی در مقابل تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از



انزوای ایران استفاده کند. روسیه نیز در روابط خود با ایران، ملاحظات اقتصادی را در نظر داشته و نیز تلاش کرده است که از ایران به عنوان یک ابزار برای امتیاز گرفتن از غرب و آمریکا و تأمین منافع خود در آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس استفاده نماید. روسیه تلاش می‌کند که حداکثر نفوذ خود را در ایران داشته باشد، و در همان حال، حداقل زیان و آسیب را در این زمینه از آمریکا پذیرا شود.

روسیه در قضیه برنامه‌های هسته‌ای با ایران بیشتر به دنبال منافع ملی خویش است و این گونه نیست که تحت هر شرایطی از ایران حمایت کند. نکته مهم اینجاست که روسیه احتمالاً یک ایران هسته‌ای را نمی‌پذیرد و مخالف این است که ایران تبدیل به یک قدرت هسته‌ای مهم در کنار مرزهای این کشور شود. بنابراین اگر روسیه اندکی نسبت به تمایلات صلح آمیز هسته‌ای ایران تردید داشته باشد، در همکاری خویش با ایران در این زمینه تجدید نظر خواهد کرد. همان گونه که این اتفاق به منصفه ظهور رسیده و روسیه، رأی مخالف علیه ایران در شورای امنیت داده است. جنبه دیگر قضیه هسته‌ای ایران برای روسیه این است که روسیه تلاش دارد تا از طریق این پرونده، بار دیگر خود را به عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی معرفی کند و نقش فعال و سازنده‌ای در نظام بین‌الملل ایفا کند. البته باید به این نکته بسیار مهم نیز اشاره کرد که سیاست روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران باعث ایجاد فرصت بیشتر برای ایران در جهت حل بهتر و تصمیم‌گیری مؤثرتر در قبال این قضیه شده است. چون در عرصه دیپلماتیک، تصمیم‌سازی سیاسی در مواقع بحرانی بسیار مهم است. روس‌ها با سیاست خود در این پرونده به ایران فرصت بیشتری دادند تا تصمیم بهتری بگیرد و از تصمیم‌گیری عجولانه در این زمینه خودداری کند.

راهکارهای لازم برای خروج از همکاری صرف هسته‌ای با روسیه وجود دارد. به نظر می‌رسد ظرفیت‌های همکاری دو کشور، بسیار فراتر از حجم فعالیت‌های کنونی است. یکی از این موارد این است که منافع روسیه با ایران هیچ‌گاه نباید در تقابل با منافع روسیه و غرب، به خصوص آمریکا قرار گیرد که در این صورت روسیه مجبور به انتخاب گزینه‌ای غیر از ایران خواهد بود. بنابراین، درگیر نمودن روسیه در آلت‌رناتیوهای متعدد، قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران را در سیاستگذاری خارجی افزایش خواهد داد. از طرف دیگر، به کارگیری فعالیت دیپلماتیک مؤثر ایران در مذاکرات ۱+۵ می‌تواند دولتمردان آمریکایی را متقاعد کند که ادامه سیاست یکجانبه‌گرایی این دولت به نفع دو

---

دولت نخواهد بود. در صورتی که دولت‌های غربی بر اساس اصل چهار معاهده NPT، حقوق صلح آمیز هسته‌ای ایران را به رسمیت بشناسند، به نظر می‌رسد هم جلو سوء استفاده روسیه در همکاری‌های هسته‌ای با ایران گرفته شود و هم از بهبود رابطه با دولت‌های غربی؛ در این صورت دیگر ایران برای روسیه گزینه پذیرش اجباری نخواهد بود.



## پی‌نوشت‌ها

۱. سید عبدالمجید اشکوری، «گزارشی از پرونده تکنولوژی هسته‌ای»، *ایران اتمی* (قم: همای غدیر، ۱۳۸۳)، ص ۶-۷.
۲. جهانگیر کرمی، *روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه* (عصر نوین همکاری‌ها) (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸)، ص ۴.
۳. منوچهر مرادی، *روسیه و برنامه هسته‌ای ایران*، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۵.  
<http://www.bashqah.net/pa-ques-1999>.
4. Kenneth N. Waltz, *Theory of International Politics*, (New York: Random House, 1979), pp. 88-101
۵. رابرت جکسون و گئورگ سورنسون، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳) ص ۷۵.
6. Stephan Walt, *The Origins of Alliances*, (Ithaca, New York: Cornel University Press, 1987), pp. 1-28.
7. Wikipedia, (2005) *The Free Encyclopedia*, "Neo-Liberalism, 16 December", <http://www.wikipediafoundation.org/wiki/Fundraising>
۸. عبدعلی قوام، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل* (تهران: سمت، ۱۳۸۳) ص ۳۵۴-۳۵۰.
۹. اصغر یاسینی، *رویکری اقتصادی به روابط ایران و روسیه* (تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۷۸) ۴۷-۵۰.
۱۰. منوچهر مرادی، *پیشین*، ۱۳۸۵.
۱۱. محمودرضا گلشن پژوه، *پرونده هسته‌ای ایران (۲) روندها و نظرها* (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴) ص ۲۲۸.
۱۲. منوچهر مرادی، *پیشین*، ۱۳۸۵.
۱۳. علیرضا مقدم فر، «*لیبرالیسم نو شکل نوینی از تعدیل در مکتب لیبرالیسم*»، روزنامه رسالت، ۱۳۸۸.





[www.bashgah.Net /pages 3366664](http://www.bashgah.Net/pages/3366664)

۱۴. منوچهر مرادی، پیشین، ۱۳۸۵.
۱۵. محمود ثوری، «ایران، آمریکا، شوروی»، فصلنامه همشهری، سال ۲، شماره ۱۶، ۱۳۸۸، ۶۹-۶۰.
۱۶. سیدحمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵، ص ۸۱).
۱۷. جهانگیر کرمی، پیشین، ص ۶۶.
۱۸. محمود مرادی، پیشین، ۱۳۸۵.
۱۹. محموی ثوری، پیشین، ۶۹-۶۰.
20. CACI, Analyst, (2002), U.S. Sanctions, Russian, Firms for Alleged Ties with Terrorism, cited in, *www. Chinadaily. Com. Cn/en/doc/2003*.
۲۱. عقیقه، عابدی، «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه»، نشریه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱، ۱۳۸۸، ۱۲۶-۱۱۰.
22. Corol, saivet,( 2006), *Russias Iran Dilema Russia analytical Digest*.
۲۳. جهانگیر کرمی، پیشین، ص ۴-۵.
۲۴. محموی ثوری، پیشین، ۶۹-۶۰.
۲۵. سیدحمید هاشمی، پیشین، ص ۸۱.
۲۶. شیرین طهماسب، «ایران، روسیه و جمهوری‌های جنوبی شوروی سابق»، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۲، ۱۳۷۵، ص ۵۹.
27. *Survey of Russian federation foreign policy*, (2007).
۲۸. رابرت فریدمن، «روابط روسیه و ایران در دهه ۱۹۹۰»، مترجم داوود رضایی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، شماره ۲، ۱۳۸۱، ص ۳۸۱.
۲۹. جهانگیر کرمی، پیشین، ص ۶۹-۷۴.
۳۰. محموی ثوری، پیشین، ۶۹-۶۰.
۳۱. الهه کولایی، علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳) ص ۱۰۴.

۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۳۷۹.

۳۳. محمدمهدی علوی، «بازی روس ها با ایران»، تحلیل و تفسیر سیاسی، ۱۳۸۷.

http:// [www.bashgah.net/](http://www.bashgah.net/) pages- 1999. Html

34. Arbator , A., A BM treaty and the eater Missile defence,  
Oxford :oxford university press, 1995.

۳۵. آلوین تافلر، جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی (تهران: انتشارات نی،

۱۳۷۰) ص ۱۴۲.

36. Owen , s , ohn, (2001), *Russia ,china and the u.s newyork*.  
P.40.

۳۷. طاهره ترابی، سپر دفاع موشکی آمریکا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (تهران:

مرکز تحقیقات و راهبردی دفاعی، نامه دفاع، شماره ۲، ۱۳۸۸) ص ۲.

38. steven Hildreth, , long-Rng Ballistic Missile Defense in  
Europe.CRS, 2002, PP. 92

۳۹. محمدمهدی علوی، پیشین، ۱۳۸۷.

۴۰. مصطفی ملکی، «سپر دفاع موشکی و شکاف در رژیم امنیتی»، فصلنامه همشهری

دیپلماتیک، تهران: شماره ۲۰، ۱۳۸۶) ص ۷۷.

